



دوماهنامه علمی- پژوهشی

د ۹، ش ۶ (پیاپی ۴۸)، بهمن و اسفند ۱۳۹۷، صص ۳۳۴-۳۱۷

بررسی اجتماعی - شناختی تابو و حسن تعبیر در ساختارهای عبارات، اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های فارسی و انگلیسی

بهمن زندی^{۱*}، مسعود بحرینی^۲، مهدی سبزواری^۳، راضیه مهدی بیرقدار^۴

۱. استاد زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور تهران، ایران.

۲. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور تهران، ایران.

۳. استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور تهران، ایران.

۴. استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور تهران، ایران.

دریافت: ۹۷/۷/۱۴

پذیرش: ۹۷/۹/۶

چکیده

در این پژوهش تابو و حسن تعبیر با دیدگاهی اجتماعی - شناختی بررسی شده‌اند. مطالعه در ساختارهای اصطلاحات فارسی و انگلیسی صورت پذیرفته و ۱۵ جفت (۳۰ مورد) از آن‌ها با هم مقایسه شده‌اند. مباحث اجتماعی مانند انواع متغیرهای اجتماعی، تابو و حسن تعبیر، موضوعات شناختی شامل کاربرد طرح‌واره‌ها، و استعاره‌ها در این بررسی لحاظ شده‌اند. هدف اصلی روشن کردن شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در دو زبان است و به روش تحلیلی و توصیفی داده‌ها تجزیه و تحلیل شده‌اند. نتایج نشان داده است که اصطلاحات حاوی تابو به انواع اصطلاحات دیگری تبدیل می‌شوند که دارای «به گویی» باشند تا برای پذیرش در اجتماع خوشایند شوند. متغیرهای سبک، جنسیت، سن، شغل، طبقه اجتماعی و قدرت، و طرح-واره‌های قدرتی، رویداد، شیء و مالکیت بیشترین کاربرد را در ساختار اصطلاحات داشته‌اند. گاهی افراد از یک زاویه دید به موضوع نگاه می‌کنند، گاهی این زاویه شامل چند موضوع می‌شود و بر مبنای موضوعی که در ذهن دارند اصطلاحی انتخاب می‌شود که طرح‌واره‌های مناسب را داشته باشد. اصطلاحات در دو زبان زیرساخت معنایی و موضوع مشابهی را دارند؛ اما در روساخت، بازنمود عینی و ساختار هر مورد متفاوت می‌شود.

واژه‌های کلیدی: زبان‌شناسی اجتماعی، زبان‌شناسی شناختی، تابو، حسن تعبیر، استعاره.

۱. مقدمه

موضوع زبان‌شناسی اجتماعی حوزه وسیعی دارد که شامل مسائل زبانی و زبان‌شناختی و ارتباط آن‌ها با مسائل اجتماعی است. در زبان‌شناسی اجتماعی به موضوعاتی مانند ادب و نزاکت زبانی پرداخته می‌شود که به نوعی با مسائل فرهنگی و اجتماعی پیوند خورده‌اند. در این رابطه و در حوزه زبان و فرهنگ به دو بحث تابو و حسن تعبیر می‌پردازیم و با در نظر گرفتن فصل مشترک زبان‌شناسی اجتماعی با سایر حوزه‌های زبانی، تجزیه و تحلیل موضوعی مباحث را با توجه به پژوهش‌های صاحب‌نظرانی چون وارداف^۱ (۲۰۱۰) ارائه می‌دهیم. در بحث زبان‌شناسی شناختی توجه گسترده در رویکرد شناختی بیشتر به معنی‌شناسی شناختی معطوف است که مبتنی بر آراء دانشمندانی چون لانگاکر^۲ (۱۹۸۷)، لیکاف^۳ (۱۹۸۸)، جانسون^۴ (۱۹۸۷) و ایوانز و گرین^۵ (۲۰۰۶) است. در حوزه زبان‌شناسی شناختی نیز به مباحثی چون طرح‌واره‌ها و استعاره‌ها خواهیم پرداخت. موضوع اصلی در این پژوهش در حقیقت فصل مشترک زبان‌شناسی اجتماعی و شناختی است که مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. از طرفی دیگر، تمرکز مباحث بر روی دو مبحث تابو (یا دش‌واژه) و حسن تعبیر (یا به گویی، یا خوشایندسازی) است که در اینجا به طور خلاصه آن‌ها را معرفی می‌کنیم. فضایی مفهوم تابو و اقسام آن را این گونه معرفی می‌کند: «تابو از زبان محلی بومیان جزایر پولینزی واقع در اقیانوس آرام اقتباس شده است. منظور فنی از مفهوم تابو یک سلسله ممنوعیت‌ها، محرمات و پرهیزهایی است که افراد یک عشیره و یک قبیله منسوب به یک نوع توتم، نباید مرتکب آن ممنوعیت‌ها یا تابوها شوند». در زبان‌شناسی نیز تابوها شامل عباراتی هستند که باید از آن‌ها پرهیز کرد؛ یعنی به‌طور کلی نباید آن‌ها را در کلام و گفتار به کار برد؛ زیرا کاربرد آن‌ها از لحاظ اجتماعی ناپسند است و باعث شرمندگی افراد می‌شود (فضایی، ۱۳۸۷: ۴۹). طبق نظر وارداف «زبان افزون بر اینکه برای بیان چیزها به کار می‌رود، برای پرهیز از گفتن بعضی از چیزها نیز به کار برده می‌شود. بعضی از چیزها به زبان آورده نمی‌شوند، نه بدین دلیل که نمی‌توان آن‌ها را گفت، بلکه بدین دلیل که مردم در باره آن چیزها صحبت نمی‌کنند، یا اگر هم درباره آن‌ها صحبت شود، به شیوه غیرمستقیمی به آن‌ها اشاره می‌شود». یعنی وقتی که در کلام از تابوها پرهیز می‌کنیم و دست به خوشایندسازی می‌زنیم درحقیقت ساختار و راهبرد گفتار خود را اصلاح کرده‌ایم و این جبران کلام نامناسب است که به آن حسن تعبیر می‌گوییم. حسن تعبیر و تابو در زبان دو موضوع نسبی هستند (وارداف، ۲۰۰۶:

ترجمه امینی، ۱۳۹۳: ۳۸۰-۳۸۳). بدخشان و موسوی حسن تعبیر را به شیوه زیر معرفی کرده‌اند: «به گویی از دو واژه یونانی eu به معنی «خوب» و pHEME به معنی «گفتار» تشکیل شده است. به عبارت بهتر این ترکیب به معنای گفتار نیک است و در زبان فارسی، با عنوان به‌گویی شناخته می‌شود. واژه‌های به‌گویانه به‌عنوان جایگزین برای واژه‌های ناخوشایند به‌کار می‌روند» (۱۳۹۳: ۱-۲). آلن و بریج^۱ حسن تعبیر را سازو کاری آبرونگهدار می‌دانند. طبق نظر آن‌ها «به گویی برای جلوگیری از تهدید وجهه^۲ اجتماعی و در واقع، از دست دادن وجهه اجتماعی گوینده، مخاطب و شخص ثالث، به‌عنوان جایگزین برای یک عبارت ناخوشایند به‌کار می‌رود» (۱۹۹۱: ۱۶). داده‌های این تحقیق بخشی از رایج‌ترین عبارت، اصطلاحات و ضرب‌المثل‌هایی هستند که در زبان‌های فارسی و انگلیسی استفاده می‌شوند. با توجه به رویکرد اجتماعی و مؤلفه‌های دستور زبان‌شناسی شناختی به شیوه تحلیلی و توصیفی به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته‌ایم. مقایسه‌های کمی^۳ و کیفی^۴ را برای بررسی شباهت‌ها^۵ و تفاوت‌های^۶ دو زبان ارائه کرده‌ایم. سعی شده است ماهیت ساختار ذهنی^۷ گویشوران انگلیسی و فارسی را در تشکیل و کاربرد ساختارهای یادشده با توجه به اصول اجتماعی - شناختی بررسی کنیم. به این منظور با استفاده از شیوه اسنادی، کتابخانه‌ای، جست‌وجوی الکترونیکی، و اینترنتی، داده‌ها را گردآوری کردیم و از کتب مرتبط در رابطه با انواع اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها در دو زبان نیز بهره گرفتیم. فرضیه تحقیق به این صورت است که اگرچه در روساخت و بازنمود عینی گویشوران دو زبان در کاربرد عبارات، اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها تفاوت‌هایی در رابطه با تابو و حسن تعبیر دیده می‌شود؛ اما در زیرساخت ذهنی اهل زبان مفاهیم بسیار مشابهی از لحاظ اجتماعی - شناختی وجود دارند که این مفاهیم از طریق استعاره‌ها در ذهن و زبان گویشوران کدگذاری می‌شوند. در این مطالعه ما به این پرسش پاسخ خواهیم داد که تابو و حسن تعبیر بر مبنای کدام طرح‌واره‌ها در ذهن گویشوران دو زبان شکل گرفته‌اند و در هر زبان از چه زوایایی به این دو موضوع اجتماعی پرداخته شده است؟

۲. پیشینه پژوهش

در اینجا به آثار و پژوهش‌های انجام‌شده در رابطه با موضوع تحقیق می‌پردازیم. این مطالعات عموماً در حوزه اجتماعی به موضوعات تابو و حسن تعبیر در ایران و سایر کشورها مربوط

می‌شوند. همچنین، برخی دیگر با موضوعات شناختی ارتباط دارند. با توجه به پیشینه‌های ارائه‌شده یادآور می‌شویم که در تحقیق حاضر اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها از دو رویکرد اجتماعی و شناختی با توجه به مؤلفه‌های این دو رویکرد بررسی شده‌اند که نوعی بررسی مقابله‌ای برای مقایسه در زبان‌های انگلیسی و فارسی برای کشف تفاوت‌ها و شباهت‌های اصطلاحات مشابه در دو زبان، صورت گرفته است. به این منظور تمرکز تحلیل‌ها بر روی موضوعات تابو و حسن تعبیر است که پیش از این، پژوهشی چندوجهی با این شکل انجام نشده است.

۱-۲. مطالعات انجام‌شده در ایران

شریفی و دارچینیان بروز زبانی دش‌واژه‌ها را در ترجمه به فارسی مطالعه و نتایج استفاده از آن‌ها را در جامعه بررسی کرده‌اند. آن‌ها ضمن اشاره به ادامه کاربرد تابوها در تمام جوامع بشری بیان داشته‌اند که در ترجمه متون از دیگر زبان‌ها به فارسی می‌توان تابوها را به انواع مختلفی طبقه‌بندی کرد؛ زیرا تابوها فرهنگ وابسته هستند و تابوی مطلق وجود ندارد. به این ترتیب، موضوع تابو در ترجمه باید مد نظر قرار گیرد و از شیوه‌هایی مثل حذف، تغییر، تعدیل، جایگزینی، عام‌تر کردن کلمات، سانسور و خودسانسوری برای ارائه ترجمه‌ای بهتر بهره برد. پس در موضوع ترجمه در نظر گرفتن دش‌واژه‌ها پیش از ترجمه متون بسیار مهم است (شریفی و دارچینیان، ۱۳۸۸: ۱۲۷، ۱۳۹، ۱۴۰). رضایی و مقیمی به مطالعه استعاره‌های مفهومی با رویکرد شناختی پرداخته و مصادیق آن را در ضرب‌المثل‌های فارسی تجزیه و تحلیل کرده‌اند. آن‌ها با توجه به نحوه ادراک و شناخت ذهنی انسان گفته‌اند که انسان قادر است امور انتزاعی و غیرملموس را درک کند و درک هیچ تجربه عینی و مشترکی بین انسان‌ها بدون مفهوم‌سازی استعاری امکان‌پذیر نیست؛ پس استعاره‌ها باید به‌طور ذاتی مفهومی باشند. نتایج بررسی آن‌ها نشان داده است که که نفوذ استعاره‌ها در عمق رفتارهای انسان‌ها و جوامع است و چیزی سطحی نیست. این نوع بررسی بنا بر نظر آن‌ها به ما امکان می‌دهد تا شیوه شکل‌گیری ضرب‌المثل‌ها و نوع تفکر جوامع را مطالعه کنیم (رضایی و مقیمی، ۱۳۹۲: ۹۱، ۱۰۱، ۱۱۳). یگانه و افرشی با رویکردی شناختی، استعاره‌های جهتی را در قرآن کریم بررسی کرده‌اند. آن‌ها تلاش کرده‌اند به این پرسش پاسخ دهند که در قرآن تا چه اندازه‌ای الفاظ جهتی در معنای استعاری به‌کار گرفته

شده‌اند. بر این اساس، آن‌ها شصت شاهد را جمع‌آوری کرده‌اند که «در آن‌ها جهت‌ها به‌عنوان حوزه‌های شناختی مبدأ» به‌کار رفته و بدین وسیله مفاهیمی مانند منزلت، برتری، خیر و برکت تبیین شده‌اند. آن‌ها نتیجه گرفته‌اند که «واژه‌هایی که به لحاظ مفهومی از جایگاه بنیادی و مبنا برخوردارند در بیان استعاره‌ای به‌کار رفته‌اند. بر این اساس هفت واژه جهت‌نما و چهارده اسم-نگاشت در قرآن شکل گرفته است». این موارد که ماهیتی انتزاعی دارند در قالب استعاره توصیف شده‌اند (یگانه و افراشی، ۱۳۹۵: ۱۹۳، ۲۰۹). سبزواری انواع چندمعنایی را در زبان فارسی معیار بررسی کرده و این مطالعه را با رویکردی شناختی انجام داده است. وی بیان کرده است که در مطالعه‌ای توصیفی، انواع چند معنایی بر اساس طبقه‌بندی ایوانز در زبان‌شناسی شناختی تحلیل شده است. ابتدا انواع چندمعنایی در این چارچوب در زبان انگلیسی بررسی شده و مسائلی چون ارتباط شبکه‌ای، معنای مرکزی، طرح‌واره‌ها، دانش غیرزبانی و دایره‌المعارفی در الگوی شناختی مطرح شده‌اند. سپس سه نوع چندمعنایی در این زبان معرفی شده است: ۱- مفهومی، ۲- واژگانی، ۳- بیناواژگانی. وی پس از این معرفی، موارد یادشده را در زبان فارسی معیار تجزیه و تحلیل کرده است. او همچنین نتیجه گرفته است که تقسیم‌بندی یادشده بر اساس رویکرد شناختی در زبان فارسی نیز قابل بررسی و تعمیم است. وی این نوع رویکرد شناختی را در تحلیل موضوع با رویکردهای نظری و تحلیل‌های پیشین مقایسه کرده است (سبزواری، ۱۳۹۷: ۲۵۱، ۲۶۷).

۲-۲. مطالعات انجام شده در سایر کشورها

وارن^۷ در مطالعه‌ای نقش به‌گویی را در تعبیر عبارات بررسی کرده است. او بیان کرده است که در دهه‌های گذشته زبان‌شناسان اعتقاد داشتند کلمات معانی و تفاسیر ثابتی دارند؛ اما کم‌کم مشخص شد که معنی کلمات پویاست و در شرایط مختلف این موضوع قابل بررسی است. به این دلیل که محتوای معنایی هر عبارت شامل مشخصه‌هایی است که معنای آن عبارت را از یک سری مشخصه‌های درونی به مجموعه‌ای از ویژگی‌های بیرونی ارتباط می‌دهد. ما می‌توانیم شکل ظاهری یک کلمه یا عبارت را با یک مرجع خاص انطباق دهیم، اما بعضی اوقات انطباق یک به یک میان صورت و معنی و نیز مرجع کلمات و عبارات پیدا نمی‌شود. یکی از این شرایط کاربرد حسن تعبیر در عبارات است (Warren, 1992: 128-130). سرسپو فرناندز^۸ استراتژی‌های استفاده از حسن تعبیر با در نظر گرفتن ملاحظات ادب و وجه افراد را مطالعه و بیان کرده است که کاربرد به

گویی برای ملایم تر کردن موقعیت‌های دور از ادب و پرهیز از دش‌واژه است. او بحث حسن تعبیر را با این راهبرد در چارچوب نظریه ادب براون و لوینسون بررسی و نتیجه‌گیری کرده است که به گویی روشی است که می‌تواند مفاهیم ادب را در گفتمان افراد تقویت کند و از لحاظ اجتماعی و فرهنگی رویدادی است که وجه افراد را در ارتباطات و تعامل با یکدیگر حفظ خواهد کرد (Crespo, 2005: 77-79). گاوو^۱ بررسی اجتماعی در رابطه با انواع تابو در زبان انگلیسی انجام داده است. وی عنوان کرده است که در هر جامعه‌ای عبارات و کلماتی وجود دارند که نمی‌توان در گفتار یا نوشتار یا به صورت عمومی و در جمع افراد از آن‌ها به صورت مستقیم استفاده کرد. وی این موارد را تابو دانسته و بیان داشته است که برای این تابوها می‌توان دسته‌بندی‌هایی ارائه داد. وی معتقد است برای کاستن از بار عاطفی منفی این عبارات کافی است که به جای آن‌ها از عبارات به‌گویی‌شده استفاده کنیم. هر دو مورد یعنی تابو و حسن تعبیر می‌توانند بر افراد تأثیر بگذارند. راهکاری دیگر برای کم کردن تأثیر منفی تابوها استفاده از عبارات غیرمستقیم است. پس به این شیوه‌ها باید از تابوها پرهیز کرد تا به احساسات دیگران لطمه وارد نشود و کلام افراد توهین‌آمیز و زننده نباشد (Gao, 2013: 2310-2314). هائیف سامیر^۲ در یک بررسی مقابله‌ای اسامی حیوانات و اصطلاحات مربوط به آن‌ها را در دو زبان انگلیسی و عربی مطالعه و این تحقیق را به صورت شناختی در اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های این دو زبان تجزیه و تحلیل کرده است. وی در این تحقیق به اسامی و عبارات مرتبط با حیواناتی مانند سگ و اسب پرداخته است. او مدل لیکاف و ترنر را انتخاب کرده و از الگوهای اسپربر و ویلسون و نیز هسیه نیز بهره برده است. وی از این رویکردها برای تجزیه و تحلیل و فهم بهتر مفاهیم موجود در اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها استفاده کرده است تا بتواند دورنما و پیشینه‌ای از کاربرد آن‌ها را به دست آورد. وی به مباحث استعاره و مجاز موجود در اصطلاحات وارد شده و گفته که تعداد ۲۰ ضرب‌المثل از دو زبان را انتخاب کرده است که زیر ساخت آن‌ها در هر دو زبان مشابه یکدیگر است؛ اما آن‌ها در رو ساخت زبانی با یکدیگر تفاوت دارند. وی بیان کرده است که این ضرب‌المثل‌ها از لحاظ فرهنگی، اجتماعی و شناختی بسیار ارزشمند و غنی هستند و از یک نسل به نسل بعدی به ارث رسیده‌اند (Hayif, 2016: 133, 142).

۳. چارچوب نظری

چارچوب نظری در این تحقیق میانی اجتماعی - شناختی است. در حوزه اجتماعی ماهیت تابو یا حسن تعبیر بودن عبارات و نیز کاربرد متغیرهای اجتماعی^{۱۱} را در ساختار اصطلاحات بررسی می‌کنیم و فراوانی حضور این متغیرها را در ساختار معنایی آن‌ها در فارسی و انگلیسی مقایسه خواهیم کرد. این متغیرهای اجتماعی عبارت‌اند از سن^{۱۲}، جنسیت^{۱۳}، سطح تحصیلات^{۱۴}، صمیمیت^{۱۵}، طبقه اجتماعی^{۱۶}، شغل^{۱۷}، مکان جغرافیایی^{۱۸}، گروه قومی^{۱۹}، سبک^{۲۰}، قدرت^{۲۱} و زمان^{۲۲}. هرچه افراد در اجتماع متغیرهای اجتماعی مشابه‌تری داشته باشند، تفاوت‌های اجتماعی و زبانی آن‌ها کمتر می‌شود و از لحاظ شخصیت بیشتر به یکدیگر نزدیک می‌شوند. مثلاً اگر طرفین تعامل همگی مرد باشند، در رده سنی نزدیکی به هم قرار داشته باشند، صمیمیت آن‌ها با یکدیگر بیشتر باشد، سطح تحصیلاتشان به هم نزدیک‌تر و شغلشان مانند هم باشد، در طبقات اجتماعی مشابهی قرار داشته باشند یا اینکه سایر متغیرهای اجتماعی آن‌ها به‌طور کلی با هم مشابه یا نزدیک باشد، در این صورت نسبت به یکدیگر احساس راحتی و نزدیکی بیشتری دارند و این احتمال وجود دارد که بیشتر از تابوها در کلام خود استفاده کنند. در مباحث شناختی از انواع طرح‌واره‌های تصویری استفاده خواهیم کرد که بر اساس نظریات ایوانز و گرین (۲۰۰۶)، جانسون (۱۹۸۷) و صاحب-نظران ایرانی همچون صفوی (۱۳۹۲) و راسخ مهند (۱۳۹۴)، طرح‌واره‌های تصویری ۷ مورد هستند: ۱. طرح‌واره حجمی: تصور پدیده‌های ذهنی به شکل یک حجم دو یا سه بعدی. این طرح-واره حاصل تجربه زندگی ما در فضای جهان هستی است. به این ترتیب می‌توان تصور کرد که درون یک حجم نیز چیزی وجود داشته باشد یا بیرون از آن حجم قرار گرفته باشد. برای مثال: «تو دلش هیچی نیست». ۲. طرح‌واره حرکتی: تصور پدیده‌های ذهنی با ماهیت حرکت یعنی پدیده-های متحرک باشد. این حرکت دارای ابتدا و پایان و مسیر است. ماهیت پدیده‌های متحرک ایده‌ای را به ما می‌دهد تا تصور کنیم این پدیده‌ها دارای نوعی حرکت هستند؛ در حالی که نمی‌توانند حرکت کنند. حرکت مبدأ را به مقصد متصل می‌کند؛ برای مثال بر لب جوی نشین و گذر عمر ببین. ۳. طرح‌واره قدرتی: چنانچه در مقابل رخ دادن پدیده‌ای مانعی به‌وجود آید یا نیرویی در پدیده‌ای سبب تغییر شود، پس این طرح‌واره شامل طرح‌واره‌های اجبار، مانع، کنار زدن مانع، توانمندی، نیروی متقابل است. یعنی در برخی از موارد از مانع نمی‌شود عبور کرد: چوب لای چرخش کردند. در برخی از موارد تغییر مسیر امکان دارد و می‌توان از کنار موانع ایجادشده

عبور کرد: از کنار این حرفا باید گذشت. در مواردی هم می توان مانع را از سر راه برداشت: بالاخره دشمن را از سر راه بر می دارم. گاهی نیروی مقابل به این صورت وجود دارد: زدی ضربتی، ضربتی نوش کن. ۴. طرح واره شئی: در این طرح واره همانطور که اشیا ویژگی هایی مانند شکل، اندازه، رنگ و غیره دارند، پدیده های ذهنی نیز می توانند این ویژگی ها را داشته باشند؛ یعنی می توان برای آن ها کمیت یا کیفیت را متصور شد و درست مانند اشیا در باره آن ها صحبت کرد: عقلش خوب کار می کنه. ۵. طرح واره سطحی: پدیده های ذهنی می توانند مانند یک سطح دو بُعدی تصور شوند که یک شئی یا فردی خاص با متصور شدن یک پدیده ذهنی روی آن سطح قرار می گیرد: دست رو دلم نزار. ۶. طرح واره مالکیت: همانطور که در واقعیت چیزی یا کسی به شخص دیگری تعلق دارد در پدیده های ذهنی نیز می توان این مالکیت و تعلق را برای شخص یا چیزی متصور شد. یعنی یک پدیده ذهنی مانند شخصی است که چیزی متعلق به اوست و یا صاحب چیزی می شود: هوش مصنوعی قابلیت های چشم گیری دارد. ۷. طرح واره رویداد: هر پدیده ای در واقعیت در بردارنده یک رویداد است و برای پدیده های ذهنی نیز می توان تصور کرد اتفاقی روی می دهد و این رویداد ذهنی را می توان با پدیده های عینی انطباق داد. این طرح واره مانند موارد دیگر حاصل تجربه های بدنمندانسان از محیط اطراف است: چند وقتی هست که دلم گرفته. درواقع همه طرح واره های بالا از انطباق پدیده های ذهنی با پدیده های عینی هستند و همان طور که گفته شد از تجربه های بدنمندانسان نشئت می گیرند و حاصل تعامل بشر با محیط اطراف هستند.

۴. تجزیه و تحلیل داده ها

در این پژوهش برای پاسخ گویی به پرسش تحقیق داده ها را در ۱۵ گروه ۲ تایی بررسی خواهیم کرد.

گروه ۱: Son of a bitch و پدر سگ: هر دو اصطلاح تابو هستند. در ساختار اصطلاح انگلیسی متغیر اجتماعی جنسیت که به سگ ماده اشاره دارد، به کار رفته است. متغیر دیگر سبک است که در انگلیسی غیر رسمی است؛ زیرا این اصطلاح در موقعیت های رسمی کاربرد ندارد. در انگلیسی طرح واره مالکیت مشهود است؛ زیرا توله متعلق به یک سگ ماده است. در اصطلاح فارسی نیز متغیر جنسیت داریم؛ اما به جنس نر اشاره دارد. سبک نیز غیررسمی است. طرح واره مالکیت را هم داریم که توله متعلق به یک سگ نر است. هر دو اصطلاح استعاره از شخصی

هستند که ویژگی‌های بدی را از خود بروز داده است.

گروه ۲: be/big with child و باردار بودن: هر دو به گویی هستند. در انگلیسی و فارسی متغیر جنسیت مربوط به مؤنث داریم. سبک به رسمی نزدیک‌تر است. سن که به افراد بالغ مربوط است. زمان هم به دوره نه ماهگی حاملگی اشاره دارد. هر دو طرح‌واره شامل این موارد هستند: حجمی، یعنی کودک درون شکم است؛ قدرتی، نوزاد به حجم بزرگی تشبیه شده است که مادر آن را تحمل می‌کند (طرح‌واره تصویری توانمندی)؛ شیء، اشاره به بزرگی به سبب جنین؛ مالکیت، بچه‌ای که متعلق به یک مادر است؛ رویداد، پدیده وجود نوزاد و رشد آن. هر دو اصطلاح استعاره از شخص آبستن هستند.

گروه ۳: His days are numbered و پایش لب گور است: انگلیسی به گویی، اما فارسی تابوست. در انگلیسی این متغیرها را می‌بینیم: سبک که به رسمی نزدیک‌تر است. سن که عموماً برای افراد مسن در نظر گرفته می‌شود. زمان نیز به صورت روزهای پایانی نمود پیدا کرده است. در فارسی متغیرهای سبک که غیررسمی است و سن که برای افراد مسن در نظر گرفته شده، مشهود هستند. در انگلیسی این طرح‌واره‌ها را داریم: حجمی، فرد در فضای زمانی خاصی برای ادامه زندگی قرار دارد؛ حرکتی، فرد در طول زمان در حال حرکت به سمت مرگ است؛ قدرتی، فرد نمی‌تواند سرنوشت خود را در برابر مرگ تعیین کند؛ شیء، زمان مانند اشیایی هستند که می‌توان آن‌ها را شمرد؛ سطحی، روزها بر بروی سطح زمان در حال حرکت و شمرده شدن هستند؛ مالکیت، روزها و زمان به عمر فرد تعلق دارند؛ رویداد، پدیده نزدیک شدن به مرگ رخ می‌دهد. در فارسی به این طرح‌واره‌ها بر می‌خوریم: حجمی، گور به شکل یک حجم که جسد درون آن قرار می‌گیرد؛ حرکتی، فرد در حال حرکت به سمت قبر است؛ قدرتی، فرد به سمت گور خود می‌رود و نمی‌تواند جلوی مرگ را بگیرد؛ شیء، قبر مانند محبسی است که پای فرد به تدریج به آن نزدیک می‌شود؛ سطحی، لبه قبر به صورت یک سطح در نظر گرفته شده است؛ مالکیت، گور متعلق به فرد خاصی است؛ رویداد، پدیده و فرایند زندگی و مرگ را نشان می‌دهد. در انگلیسی این اصطلاح استعاره از فرایند نزدیک شدن به مرگ است و در فارسی این اصطلاح استعاره از شخصی است که به سال‌های آخر عمرش نزدیک می‌شود.

گروه ۴: Ethnic cleansing و نسل‌کشی: انگلیسی به گویی و فارسی تابوست. در انگلیسی و فارسی این متغیرها را داریم: سبک که رسمی است. طبقه اجتماعی که به سطوح پایین مربوط

است. مکان که جغرافیای خاصی مورد تعرض قرار می‌گیرد. گروه قومی ضعیف تحت تهاجم گروه قومی قوی است. قدرت برتر به قدرت پایین‌تر غلبه می‌کند. مذهبی که در اقلیت است یا ضعیف‌تر از لحاظ قوای نظامی است، مغلوب می‌شود. در انگلیسی و فارسی هر هفت طرح‌واره حضور دارند: حجمی، فضایی که در آن پاکسازی یا نسل‌کشی صورت می‌پذیرد. حرکتی، حرکت به سمت از بین بردن گروهی خاص. قدرتی، گروه نمی‌تواند از خود دفاع کند و مغلوب می‌شود. شیء، محل زندگی و افراد این قوم مانند اشیا و مکان آن‌ها پاکسازی می‌شوند یا افراد مانند جاندارانی بی‌دفاع کشته می‌شوند. سطحی، پاکسازی بر روی یک سطح که همان محل زندگی آن‌هاست انجام می‌شود یا کشتن افراد یا اعمال زور علیه آن‌ها در سطح جامعه آن‌ها صورت می‌پذیرد. مالکیت، مکان در حقیقت متعلق به قوم ضعیف است. رویداد، پدیده جنایتکارانه‌ای علیه قومی اتفاق می‌افتد. هر دو اصطلاح استعاره از فرایند مردم‌کشی و تحمیل زور به یک قوم خاص است.

گروه ۵: Spare the rod and spoil the child و چوب معلم گل است هر که نخورد خل است: انگلیسی و فارسی به‌گویی هستند. در انگلیسی این متغیرها را داریم: سن مربوط به کودکان است. سبک به غیررسمی است. قدرت در دست والدین یا معلمان در نظر گرفته می‌شود. سطح تحصیلات برای کودکان خردسال که محصل نیستند یا کودکانی است که در مدرسه تحصیل می‌کنند. در فارسی متغیرها شامل این موارد است: سن مربوط به کودکان است. سبک رسمی است. قدرت در دست معلمان است. سطح تحصیلات برای کودکانی است که در مدرسه تحصیل می‌کنند. طبقه اجتماعی سوادآموزندگان جامعه هستند. شغل مربوط به دانش‌آموزان و معلمان آن‌هاست. مکان جغرافیایی مدرسه در نظر گرفته می‌شود. در انگلیسی ۶ طرح‌واره داریم: الف) حرکتی، حرکت ترکه جهت تنبیه. ب) قدرتی، اعمال قدرت والدین یا معلم برای تنبیه. ج) شیء، اشاره به ترکه که نماد تنبیه کردن است. د) سطحی، سطح دست یا پای کودک جهت تنبیه. ه) مالکیت، بچه‌ای که متعلق به یک والدین است. و) رویداد، پدیده تنبیه کودک بازیگوش. در فارسی ۷ طرح‌واره دیده می‌شود: الف) حجمی، حجم یک کلاس درس در نظر گرفته شده. ب) حرکتی و ج) قدرتی مانند مورد قبل. د) شیء، اشاره به چوب که نماد تنبیه کردن است و مانند گل است. ه) سطحی، و) رویداد مانند مورد قبل. ز) مالکیت، دانش‌آموزانی که تعلق به کلاس یک معلم خاص دارند. هر دو اصطلاح استعاره از تنبیهی که باید صورت پذیرد و مفید است.

گروه ۶: Be in Queer street و آه ندارد که با ناله سودا کند: انگلیسی به گویی و فارسی تابو هستند. متغیرها در انگلیسی: سبک، رسمی. طبقه اجتماعی سطح پایین. مکان خیابانی خاص. شغل افراد ورشکسته. قدرت افراد ضعیف. در فارسی: سبک غیررسمی. طبقه اجتماعی سطح پایین. مکان بازار یا محل معامله. شغل افراد بیکار یا ورشکسته. قدرت افراد با توان مالی کم. طرح‌واره‌ها در انگلیسی: حجمی: فضایی که خیابان است و محل رفت و آمد افراد ورشکسته یا دادگاه مربوطه در آن قرار دارد. قدرتی: فرد نمی‌تواند بدون پول کاری کند. سطحی، سطح خیابان مورد نظر. مالکیت، چیزی به آن‌ها تعلق ندارد. در فارسی: قدرتی، فرد نمی‌تواند بدون پول کاری کند. شیء، مبادله کالا در نظر گرفته می‌شود. مالکیت، چیزی به آن‌ها تعلق ندارد. رویداد، پدیده خرید و فروش اتفاق نمی‌افتد به دلیل فقر. هر دو اصطلاح استعاره از مردم تنگدست یا بی‌پول است.

گروه ۷: Between jobs و جویای کار: هر دو به گویی هستند. انگلیسی و فارسی این متغیرها را دارد: سن، مربوط به افراد بالغ. سبک، رسمی. شغل، به دنبال کار جدید بودن. طرح‌واره‌ها از این قرارند: انگلیسی: حجمی، دو کار مانند حجمی در نظر گرفته شده‌اند که فرد میان آن‌ها قرار گرفته است. حرکتی، جابه‌جایی میان دو کار. قدرتی، شخص توانایی پیدا کردن کار جدید را در خود احساس می‌کند. شیء، دو کار مثل دو چیز هستند که فرد در بین آن‌هاست. رویداد، پدیده جست‌وجو برای کار جدید در حال اتفاق افتادن است. فارسی: حرکتی، حرکت به سمت کار جدید. قدرتی، شخص توانایی پیدا کردن کار جدید را در خود احساس می‌کند. شیء، کار مانند شیء‌ای است که افراد به دنبال آن می‌گردند. رویداد، پدیده جست‌وجو برای کار در حال اتفاق افتادن است. هر دو اصطلاح استعاره از شخص بیکار است.

گروه ۸: light finger و دست کج بودن: اصطلاح انگلیسی به گویی است اما اصطلاح فارسی تابوست. در انگلیسی این متغیرها به‌کار رفته‌اند: سبک در به‌کارگیری این اصطلاح به غیررسمی نزدیک‌تر است. عموماً به طبقه اجتماعی که در سطح پایینی قرار دارند و دزد هستند مرتبط می‌شود. شغل افراد دزدی و جیب‌بری است. در فارسی سبک در به‌کارگیری این اصطلاح به غیررسمی نزدیک‌تر است. عموماً به طبقه اجتماعی که در سطح پایینی قرار دارند و دزد هستند مرتبط می‌شود. شغل افراد دزدی و جیب‌بری است. در انگلیسی ۴ طرح‌واره داریم: قدرتی، فرد با انگشتانی چابک قادر به دزدی و جیب‌بری است. شیء، انگشتان فرد مانند شیء سبک در نظر گرفته شده است. مالکیت، انگشتان به یک دزد تعلق دارد. رویداد، دزدی اتفاق می‌افتد. در فارسی

طرح‌واره‌های زیر را داریم: قدرتی، فرد می‌تواند دزدی کند. مالکیت، دست به دزد تعلق دارد. رویداد، دزدی اتفاق می‌افتد. هر دو اصطلاح استعاره از فرد دزد هستند.

گروه ۹: Be all fingers and thumbs و دست و پا چلفتی بودن: انگلیسی به گویی است؛ اما فارسی تابوست. متغیرهای اجتماعی در انگلیسی و فارسی سبک در به‌کارگیری این اصطلاح به غیررسمی نزدیک‌تر است. صمیمیت: معمولاً افراد صمیمی این اصطلاح را برای هم بیشتر به‌کار می‌برند. سه طرح‌واره در انگلیسی و فارسی داریم: قدرتی، مالکیت، و رویداد. فرد بی‌دست‌وپا قادر به انجام کار خاصی نیست، انگشتان به یک فرد بی‌دست‌وپا و بی‌عرضه تعلق دارند یا دست و پا به یک فرد ناشی و بی‌عرضه تعلق دارند. کاری ناشیانه اتفاق می‌افتد. هر دو اصطلاح استعاره از فرد ناتوان و بی‌عرضه است.

گروه ۱۰: eff off و گورت را گم کن: اصطلاحات انگلیسی و فارسی تابو هستند. در هر دو سه متغیر صمیمیت، سبک و قدرت را داریم و در فارسی متغیر مکان جغرافیایی هم دیده می‌شود. در رابطه با صمیمیت می‌تواند هم برای افرادی که با هم دوست هستند، هم برای کسانی که با هم دشمن هستند، به‌کار رود. سبک در به‌کارگیری این اصطلاح غیررسمی است. درباره قدرت کسی که این اصطلاح را به‌کار می‌برد غلبه بیشتری بر مخاطب دارد. در فارسی مکان جغرافیایی به‌گور اشاره دارد. هم در انگلیسی و هم در فارسی دو طرح‌واره حرکتی و قدرتی را داریم. حرکتی، فرد از مکانی و شخصی باید فاصله بگیرد. قدرتی، مخاطب توان کمتری نسبت به گوینده برای مقابله با این اصطلاح دارد. هر دو اصطلاح استعاره از دور شدن از کسی است.

گروه ۱۱: free living و بی‌بند و بار: اصطلاح انگلیسی به گویی، اما فارسی تابوست. در هر دو فقط متغیر سبک را داریم که سبک در به‌کارگیری این اصطلاح به غیررسمی نزدیک‌تر است. در هر دو، طرح‌واره قدرتی و رویداد را داریم. فرد بی‌قیدوبند قادر به انجام کار مثبتی نیست. فرد حدود و قواعدی را در رویدادهای زندگی رعایت نمی‌کند. این دو اصطلاح استعاره از فرد لابلایی و خوشگذران است.

گروه ۱۲: economical with the truth و خالی‌بند: اصطلاح انگلیسی به گویی، اما فارسی تابوست. در هر دو تنها یک متغیر سبک را داریم. سبک در به‌کارگیری این اصطلاحات به غیررسمی نزدیک‌تر است. در انگلیسی طرح‌واره‌های قدرتی، شیء و رویداد مشاهده می‌شود. فرد نمی‌تواند یا نمی‌خواهد راست بگوید. انکار به یک کالای بی‌ارزش اشاره می‌شود؛ یعنی دروغ یک

کالاست. دروغ‌گویی اتفاق می‌افتد؛ اما در فارسی طرح‌واره مالکیت هم داریم. در شیء به غلاف یک اسلحه اشاره شده است. مالکیت، غلاف اسلحه به فرد تعلق دارد. در رویداد فرد حدود و قواعدی را در رویدادهای زندگی رعایت نمی‌کند. هر دو اصطلاح استعاره از فرد لاف‌زن و دروغ‌گو هستند. گروه ۱۳: Do the donkey work و خر حمالی کردن: هر دو اصطلاح تابو هستند. متغیرهای سبک، قدرت و شغل در دو اصطلاح دیده می‌شوند. سبک در به‌کارگیری این اصطلاح غیررسمی است. شخص ضعیف‌تر برای افراد قدرتمندتر باید به‌سختی کار کند. شغل این اصطلاح به مشاغل گوناگون اشاره دارد. دو طرح‌واره قدرتی و رویداد را هم در دو اصطلاح داریم. فرد مجبور است به دلایلی این کارها را انجام دهد و توان ندارد آن را تغییر دهد. کار سخت و بدون مزد خوب برای شخصی انجام می‌شود. دو اصطلاح استعاره از کار سخت و بدون مزد خوب است.

گروه ۱۴: Visually challenged و روشن دل: هر دو اصطلاح به گویی هستند. در هر دو تنها یک متغیر سبک را داریم. سبک در به‌کارگیری این اصطلاحات به رسمی نزدیک‌تر است. در انگلیسی طرح‌واره‌های قدرتی، مالکیت و رویداد را داریم. شخص توانایی دیدن را ندارد. شخص صاحب چشمان بینا نیست. پدیده ناتوانی در دیدن اتفاق افتاده است. در فارسی طرح‌واره حجمی را هم داریم: دل مانند حجمی در نظر گرفته شده است که در آن نور می‌تابد. بقیه طرح‌واره‌ها مانند انگلیسی است. هر دو اصطلاح استعاره از شخص نابینا هستند.

گروه ۱۵: mentally challenged و عقب‌افتاده: اصطلاح انگلیسی به‌گویی اما فارسی تابوست. در انگلیسی یک متغیر سبک را داریم: سبک در به‌کارگیری این اصطلاح به رسمی نزدیک‌تر است. در فارسی سبک و تحصیلات مشاهده می‌شود. سبک در به‌کارگیری این اصطلاح به غیررسمی نزدیک‌تر است و می‌تواند درباره کسانی باشد که تحصیلات بسیار پایینی دارند. در انگلیسی طرح‌واره‌ها به این شکل هستند: قدرتی، حجمی، سطحی، مالکیت، رویداد. فرد نمی‌تواند یا ذهن خود فعالیت عادی و رفتاری مناسب انجام دهد. ذهن را مانند حجمی در نظر گرفته که محتویات آن ناقص است. می‌توان ذهن را مانند سطحی تصور کرد که خالی از اطلاعاتی است که باید روی آن قرار بگیرد. فرد صاحب ذهنی است که مشکل دارد. نوعی عقب ماندگی اتفاق می‌افتد. در فارسی متغیرها این موارد هستند: قدرتی، حجمی، حرکتی، مالکیت و رویداد. در مورد حرکتی فرد در مسیر پیشرفت نسبت به دیگران عقب‌تر است. سایر موارد مانند انگلیسی است. انگلیسی اصطلاح استعاره از فرد عقب‌افتاده ذهنی است. فارسی اصطلاح استعاره از فردی است که نقص جسمی،

ذهنی یا تحصیلی دارد.

۵. نتیجه

هدف اصلی تحقیق روشن کردن وجوه اشتراک و افتراق کاربرد پدیده‌های اجتماعی و زبانی تابو و حسن تعبیر در عبارات، اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های فارسی و انگلیسی بود. دیدیم که در هر گروه با توجه به تعداد مؤلفه‌های موجود در ویژگی‌های اجتماعی و شناختی، با در نظر گرفتن متغیرهای اجتماعی، تابو یا به‌گویی بودن اصطلاح‌ها، انواع طرح‌واره‌ها با توجه به ساختار اصطلاح، گاهی دو اصطلاح در انگلیسی و فارسی در رو ساخت یا ساختار کلمات موجود کاملاً با هم تفاوت داشتند، گاهی با هم شباهت داشتند، و در موارد دیگر میزانی از شباهت و تفاوت دیده می‌شد که این شباهت‌ها و تفاوت‌ها بیشتر در روساخت یعنی کلمات و عبارات تشکیل‌دهنده اصطلاح‌ها مشهود بود. اگرچه در روساخت و بازنمود عینی اهل دو زبان در کاربرد عبارات، اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها تفاوت‌هایی در رابطه با تابو و حسن تعبیر دیده می‌شود؛ اما در زیرساخت ذهنی اهل زبان مفاهیم بسیار مشابهی از لحاظ اجتماعی - شناختی وجود دارند که این مفاهیم از طریق استعاره‌ها در ذهن و زبان گویشوران کد گذاری می‌شوند. درحقیقت هر اصطلاح نوعی استعاره مفهومی را در ساختار خود دارد که این استعاره مفهومی پیوند بین زیرساخت آن اصطلاح از لحاظ معنایی و رو ساخت آن یعنی کلمات تشکیل‌دهنده آن است. زیرساخت یا همان موضوع و معنای اجتماعی - شناختی در هر جفت از اصطلاح‌ها بسیار به هم شباهت دارد. بنابراین، مفهوم و موضوع واحد است و تنها شیوه پرداختن به این مفاهیم با یکدیگر تفاوت دارد. یعنی زمانی که استعاره شکل می‌گیرد با توجه به مؤلفه‌های اجتماعی - شناختی که بررسی کردیم افراد از کلمات و ترکیب‌های متفاوتی برای بیان موضوع استفاده می‌کنند. پس در رو ساخت بازنمود عینی و ساختار هر مورد متفاوت می‌شود. پرسش تحقیق این بود که تابو و حسن تعبیر بر مبنای کدام طرح‌واره‌ها در ذهن گویشوران دو زبان شکل گرفته‌اند و در هر زبان از چه زوایایی به این دو موضوع اجتماعی پرداخته شده است؟ بیشترین طرح‌واره‌هایی که در تشکیل این اصطلاحات استفاده شده‌اند طرح‌واره‌های قدرتی، رویداد، شیء و مالکیت هستند. طرح‌واره‌های حجمی، حرکتی و سطحی در درجات پایین‌تری استفاده شده‌اند. این موضوع نشان می‌دهد که بیشتر اصطلاحات به یک رویداد خاص اشاره دارند و فردی یا چیزی توان انجام امر خاصی را

دارد یا ندارد. در این اصطلاحات یک شیء خاص مد نظر قرار گرفته است یا چیزی به کسی یا مکانی تعلق دارد. می‌توان گفت همه طرح‌واره‌ها با درجات مختلف در تشکیل اصطلاحات نقش ایفا می‌کنند و همین طرح‌واره‌ها در کاربرد نیز دخالت دارند؛ یعنی افراد بر مبنای نوع موضوعی که در ذهن دارند اصطلاحی را انتخاب می‌کنند که طرح‌واره‌های لازم برای بیان موضوع را دارا باشد و این امر به صورت خودکار در ذهن اتفاق می‌افتد. به طور کلی در مباحث مطرح شده در این پژوهش دو موضوع تابو و حسن تعبیر را در ساختارهای اصطلاحات انگلیسی و فارسی با یکدیگر مقایسه کردیم که این مقایسه با توجه به عوامل اجتماعی و تأثیر طرح‌واره‌های تصویری در علم شناختی بود. مجموعه این نوع بررسی با سایر پژوهش‌های دیگر این تفاوت را دارد که سایر پژوهش‌ها مباحث یادشده را به صورت کلی و جداگانه بررسی کرده‌اند و پیکره بررسی آن‌ها با یکدیگر متفاوت است. اما در این پژوهش مجموعه یادشده به شکل واحد جمع‌آوری شده است که خود نشان‌دهنده فصل مشترک مباحث مختلف زبان‌شناسی است و ارتباط این علوم را با یکدیگر بهتر به نمایش می‌گذارد. با توجه به مؤلفه‌های اجتماعی - شناختی که بررسی کردیم و با در نظر گرفتن فرهنگ و آداب و رسوم هر کشور و منطقه، افراد از کلمات و ترکیب‌های متفاوتی برای بیان موضوع استفاده می‌کنند. پس در ساخت بازنمود عینی و ساختار هر مورد متفاوت می‌شود. گاهی افراد از یک زاویه دید واحد به موضوع نگاه می‌کنند و گاهی هم این زاویه دید شامل چند موضوع می‌شود. در هر حال می‌توان گفت همه طرح‌واره‌ها با درجات مختلف در تشکیل اصطلاحات نقش ایفا می‌کنند و در کاربرد نیز دخالت دارند؛ یعنی افراد بر مبنای نوع موضوعی که در ذهن دارند اصطلاحی را انتخاب می‌کنند که طرح‌واره‌های لازم برای بیان موضوع را دارا باشد. ضمناً نوع کاربرد و ساختار مورد استفاده بر مبنای تابو یا حسن تعبیر به موضع‌گیری افراد بر اساس اصول ادب بستگی دارد که این موضوعات پیوند بین مبانی اجتماعی و شناختی را نشان می‌دهد.

۶. پی‌نوشت‌ها

1. Wardhaugh
2. Langacker
3. Lakoff
4. Johnson
5. Evans & Green

6. Allan & Burrige
7. Warren
8. Crespo Fernández
9. gao
10. Hayif Sameer
11. social variables
12. age
13. gender
14. education
15. intimacy
16. social class
17. occupation
18. geographical location
19. ethnic group
20. style
21. power
22. time

۷. منابع

- بدخشان، ابراهیم و سجاد موسوی (۱۳۹۳). «بررسی زبان‌شناختی به گویی در زبان فارسی». *جستارهای زبانی*. د ۵. ش ۱. صص ۱-۲۶.
- چگنی، ابراهیم (۱۳۸۴). *فرهنگ توصیفی آموزش زبان و زبان شناسی کاربردی*. تهران: رهنما.
- راسخ مهند، محمد (۱۳۹۴). *درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی نظریه‌ها و مفاهیم*. تهران: سمت.
- رضایی، محمد و نرجس مقیمی (۱۳۹۲). «بررسی استعاره‌های مفهومی در ضرب‌المثل‌های فارسی». *مطالعات زبانی بلاغی*. س ۴. ش ۸. صص ۹۱-۱۱۶.
- سبزواری، مهدی (۱۳۹۷). «بررسی انواع چندمعنایی در فارسی معیار با رویکرد شناختی...». *جستارهای زبانی*. د ۹. ش ۳. صص ۲۵۱-۲۷۱.
- شریفی، شهلا و فهیمه (الهام) دارچینیان (۱۳۸۸). «بررسی نمود زبانی تابو در ترجمه به فارسی و پیامدهای آن». *زبان شناسی و گویش های خراسان دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد*. ش ۱. صص ۱۲۷-۱۴۱.
- صفوی، کورش (۱۳۹۲). *درآمدی بر معناشناسی*. تهران: پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی.

- فضایی، یوسف (۱۳۸۷). «مفهوم تابو و اقسام آن». *چيستنا*. ش ۲۵۲. صص ۴۸ - ۶۳.
- وارداف، رونالد (۲۰۰۶). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. ترجمه رضا امینی (۱۳۹۳). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- یگانه، فاطمه و آزیتا افراشی (۱۳۹۵). «استعاره‌های جهتی در قرآن با رویکرد شناختی». *جستارهای زبانی*. د ۷. ش ۵. صص ۱۹۳ - ۲۱۶.

References

- Allan, K. & K. Burridge, (1991), *Euphemism and Dysphemism: Language Used as Shield and Weapon*. New York: Oxford University Press.
- Badakhshan, E. & S. Mousavi, (2014), "Linguistic investigation of euphemism in Persian". *Language Related Research*. Vol. 5(1). Pp: 1-26. [In Persian]
- Chegeni, E. (2005). *Longman Dictionary of Language Teaching and Applied Linguistics*. Tehran: Rahnama Press. [In Persian]
- Crespo Fernández, E. (2005). "Euphemistic strategies in politeness and face concerns". *Bibilid, Pragmalingüística*. 13.Pp. 77-86.
- Evans, V. & M. Green, (2006), *Cognitive linguistics: An Introduction*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Fazaei, Y. (2008). "Taboo concept and its types". *Chista*. Vol. 252. Pp: 48-63. [In Persian]
- Gao, Ch. (2013). "A sociolinguistic study of English taboo language". *Theory and Practice in Language Studies*. Vol. 3. No. 12. Pp: 2310-2314.
- Hayif Sameer, I. (2016). "A cognitive study of certain animals in English and Arabic proverbs: A comparative study", *International Journal of Language and Linguistics*. Vol. 3. No. 5. November. Pp. 133-143.
- Johnson, M. (1987). *The Body in the Mind: the Bodily Basis of Meaning, Imagination and Reason*. Chicago: University of Chicago Press.
- Lakoff, G. (1988). Cognitive Semantics. In U. Eco et al (eds.) *Meaning and Mental*

Representations. Bloomington and Indianapolis: Indiana University Press.

- Langacker, R. W. (1987). *Foundations of Cognitive Grammar, Vol.1*. Stanford, Ca: Stanford University Press.
- Longman. (1999). *Longman American Idioms Dictionary*. England: Longman.
- Oxford . (2004). *Oxford Dictionary of Proverbs*. UK: Oxford.
- Rasekh Mahand, M. (2015). *An Introduction to Cognitive Linguistics, Theories and Concepts*. Tehran: SAMT. [In Persian]
- Rezaii, M. & N. Moghimi, (2013). "An investigation of conceptual metaphors in Persian proverbs ". *Motaleateh Zabani Balaghi*. Vol. 8.Pp: 91-116. [In Persian]
- Sabzevari, M. (2017). "An investigation of polysemy types in standard Persian with cognitive approach". *Language Related Research*. Vol. 9(3). Pp: 251-271. [In Persian]
- Safavi, K. (2013). *An Introduction to Semantics*. Tehran: Islamic Art and Culture Institute. [In Persian].
- Sharifi, Sh. & F. Darchinian, (2009), "An investigation of linguistic expression of Taboo in translation into Persian and its consequences ". *Specialized Magazine of Linguistics and Dialects of Khorasan*. Vol. 1. Pp: 127-141. [In Persian]
- Wardhaugh, R. (2006). *An Introduction to Sociolinguistics*. Translated byL Amini, R. (2014) Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies. [In Persian].
- ----- (2010). *An Introduction to Sociolinguistics*. UK: Wiley-Blackwell.
- Warren, B. C. (1992). "What euphemisms tell us about the interpretation of words". *Studia Linguistica*. 46(2). Pp. 128-172.
- Yeganeh, F. & A. Afrashi , (2016), "Directional metaphors in Holy Qur'an with a cognitive approach". *Language Related Research*. Vol. 7(5).Pp: 193-216. [In Persian]